

# محو شدن نقطه‌ای سفید

امید یعقوبی

۲۲ بهمن ۱۳۹۰

## ۱ نوشته‌های نوجوانی

آن زمان، در کودکی، شبها، از این موضوع که در تاریکی شب اگر به نقطه‌ای خیره شوی، کم‌کم همه چیز در برابر چشمانت حذف میشوند وحشت داشتم، حال این موضوع دوباره مرا میترساند، احساس میکنم دارم در این دنیا محو میشوم، بهتر بگویم، احساس میکنم دنیا دارد با من هم‌رنگ میشود و همه چیز در برابر چشمانم حذف میشوند، پس بهتر است به نقطه‌ای خاص در تاریکی خیره نشوم، اگر همه چیز آن چیز است که من میخواهم، بگذار همه‌ی مغزم را رنگ آمیزی کنم، آخر هم در قسمتی از این نقاشی بزرگ نصفه کاره رها شوم. دوست دارم با گرمای انگشتانم روی پاره‌ای از این پنجره‌ی بخار زده نقاشی کنم؛ دوست دارم نقش ببندم، هرچند در آخر هم محو شوم ...